



به نام خدا

وقتی تو با من هستی؛ طوفان فقط یک باد است.

(مجموعه دلنوشته)

نوشته : زهرا مومن

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۳۹۷



سرشناسه : مومن، زهرا، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور : وقتی تو با من هستی طوفان فقط یک باد است
(مجموعه دلنوشته) / نوشته زهرا مومن.
مشخصات نشر : مشهد: ارسطو، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۶۴ص.؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک : ۷-۲۳۱-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : قطعه‌های ادبی فارسی -- قرن ۱۴
Literary passages, Persian -- 20th century*
رده بندی کنگره : PIR۸۳۶۱ ۱۳۹۶ و ۷۸۴۷ و /
رده بندی دیویی : ۸۶۲/۸فا
شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۰۰۰۳۹

نام کتاب : وقتی تو با من هستی طوفان فقط یک باد است
(مجموعه دلنوشته)
نویسنده : زهرا مومن
ناشر : ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۷
چاپ : مدیران
قیمت : ۶۰۰۰ تومان
شابک : ۷-۲۳۱-۴۳۲-۶۰۰-۹۷۸
تلفن‌های مرکز پخش : ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۵۱ -
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران



فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۶	کافیست تو را به نام بخوانم
۷	چون تو با منی، هرگز در سقوط تنها نمی مانم
۸	در رویای خود تا صبح در گیر توام
۹	دل‌م برای ماندنت ضعف می‌رود، یا ماندنی شو
۱۰	چشمانم تماشای چشم تو را دوست دارد
۱۱	از شوق حضورت لحظه ای نمی خوابم
۱۲	دوست دارم همه عالم را لیک، هیچکس را نه به اندازه ی تو!
۱۳	قلبم هنوز وزن حضورت را احساس می کند
۱۴	من تو را برای تمام شب های باقیمانده عمرم در کنارم می خواهم!
۱۵	"غم عشقت بیابان پرورم کرد..."
۱۶	می خواهم صبح چشمانم در نگاه تو بیدار شوند...!!!
۱۷	وقتی تو با من هستی، طوفان فقط یک باد است!!!
۱۸	تو بسیار عجیب شبیه رؤیاهای من هستی!
۱۹	محو رؤیای تو بودم که مرا جان بودی
۲۰	نگاهت روایت عشق است
۲۱	آغوش تو که باشد خواب دیگر بهانه ای برای خستگی نیست
۲۲	تو به قلب من شادی و به جانم روشنایی می بخشی
۲۳	با وجود تو مرا به الماس ستارگان نیازی نیست
۲۴	تمام ابرهای آسمان، زیر پلک تو جمع است
۲۵	با تو قطار زندگی به روی ریل های خوشبختی حرکت می کند
۲۶	نبض من فقط برای تو می تپد
۲۷	می خواهم تا ابد در کنارم باشی

۲۸	فضای سینه ام را از بوی دل انگیز عشق عطر آگین کردی
۲۹	عاشقانه و بی نهایت دوستت دارم
۳۰	تو زیباترین حضور عاشقانه در زندگی من هستی
۳۱	وجود نازنین تو بهانه زیستن است
۳۲	به چشمانم یاد داده ام که جز تو نبیند
۳۳	هدیه ام برای تو قلبی است که تا ابد می تپد
۳۴	تو بغض بی پایان مرا فرو نشانیدی
۳۵	تو وعده سبز شدن دل کویری مرا دادی
۳۶	شب و روز من بی تو، بی آب و رنگ است!!!
۳۷	می خواهم دوستم داشته باشی
۳۸	پیرم اگر چه با تو جوانم
۳۹	وقتی که باران نمی بارد، تو مهربانی بیار
۴۰	توانتخاب من نبود، سرنوشتم بودی!!
۴۱	با یک دنیا شور و اشتیاق وضوی عشق می گیرم
۴۲	می خواهم در نگاهت موج بزنم
۴۳	چشمانت به بزرگی آسمان هاست
۴۴	تنها توانگیزه ماندنمی!!!
۴۵	هر سو بروم؛ در تیرس چشمان توام
۴۶	عطرتو پیچیده در کوچه ی منزل من
۴۷	یادت نرود او قادر مطلق است
۴۸	تصور می کنی
۴۹	تا در برابر موانع سرراحت با صلابت بایستی
۵۰	درک پیش بینی های خداوند
۵۱	توجه خود را به منشاء و سرچشمه معطوف کن
۵۳	محبت خداوند دروغ است!!!!!!
۵۴	به خود آی و یک تکان روحانی به خودت بده
۵۶	آن نادیده را دیدم

مقدمه

در من آویزید تا نازان شوید گرچه جغدانید، شهبازان شوید

به نام خدای قادر مطلق

... سپاس خدائی را که به بزرگواری خود پوشیده است و کسی را یارای با چشم دیدنش را نیست و نباشد، به بزرگی و عظمت خویش عزیز و محترم است و این، در گمان ها ننگنجد، به ذات خویش از شبیه و مانند شدن با دیگر مخلوقات، تک است و یگانه، از صفات محدثان، به صفت های خویش پاک و منزّه است. همیشه قدیم و باقی باشد و از هر چیز که برایش شبیه و ضد و هم شکل باشد، برتر و والاترست. با نشانی ها و حجت های مستمر و روشن، خلق خویش را به یگانگی و فردانیت خود دعوت می کند و با نام، لغات و صفات برترین، خویشترن را به دوستانش می شناساند و دلهای آنها را با مهربانی به سوی خود می کشاند، پلیدی ها و پلشتی ها را از دل آنها زایل می گرداند و در آخر از بین همین دوستان «کار درستش» یکی را به عنوان پیامبر برمی گزیند و به او که می خواهد وحی خود را نازل می کند و با او از در دوستی وارد می شود و برایش کتاب و معجزه می فرستد و در آن وعد و وعیدها و امر و نهی خود را قرار می دهد؛ مطیعان را وعده و گناهکاران را وعید می دهد.

تذکر مهم: هدف از نوشتن این کتاب بزرگداشت نام و یاد خدا بوده و بس.

ای خدا ! ای یار و یاور من
ای خدا ! ای دوست و منجی من
ای خدا ! ای پادشاه و سرور من
ای خدا ! ای هستی و نیستی من
ای خدا ! ای راه و پایان من
حمد و ستایش مرا بپذیر ...

زهرامومن

مشهد زمستان ۱۳۹۶

کافیت تو را به نام بخوانم

عزیزم! اگر در دوران جدایی و تنهایی به سر می‌بری بدان که خداوند برای زندگی اهدافی دارد. او همواره در کنار توست و می‌خواهد تو را مستقل سازد تا تو بیش از پیش افکار او را جمع به خودت را بدانی. آیا تا این حد به خداوند نزدیکی که بگویی "ای خدا خواست تو بشود؛ فقط تو می‌دانی" خداوند نگران نقشه‌های تو نیست؛ به فرض از تو نمی‌پرسد که "ایا می‌خواهی کسی را که دوست داری از دست بدهی یا می‌خواهی با این درد سر یا شکست رو برو شوی؟" او هرگز چنین سؤالاتی از تو نمی‌پرسد او اجازه می‌دهد تمام این چیزها برای تحقق هدفش (نزدیک شدن به او) اتفاق بیفتند. چیزهایی که برایت اتفاق می‌افتند یا تو را فردی خوب تر، بهتر و توانا تر می‌سازند یا این امور از تو شخصی بد ذات، خرده گیر و عیب جو و مصرّ به راه خویش می‌سازند. این که این اتفاقات تو را شرور و یا مقدس تر می‌سازند بستگی به رابطه ات با خدا و میزان صمیمیت تو با او دارد.

چون تو بامنی، هرگز در سقوط تنهایی مانم...

عزیزم! هرگز نگران نباش! تو هر گاه در دعا خواستی که "ای خدا! خواست و اراده تو بیاید" او نیز در کمال ناباوری می آید و تو را آرامی می دهد و تشویق می کند آنچه را بهترین است انجام دهی. زمانی که تو حکمت خدا را دانستی دیگر کوفته بین و خود سر نخواهی بود او نیز خواهد آمد و فاصله ها و جدائی را برایت اندک و سهل می سازد... به هر حال خداوند تو را تنها نمی گذارد.

در رویای خود تا صبح در کسیر توام...

عزیزم! به محض اینکه تو شروع کردی تا در معنویت و ایمان به خدا زندگی کنی لذات و علائق جسمانی زیادی در مقابلهت عرض اندام می کنند و مسلم اینکه حق و حقوق تو هم می باشند ولیکن تو اگر در ایمان به سر میبری از این حقوق مسلم چشم پوشی کرده و اجازه خواهی داد خداوند برایت تصمیم بگیرد. عزیزم! خدا تو را در آزمایش قرار داده که اگر زندگی تو در ایمان است و حاضر هستی با شوق و رضایت کامل، از حقوق خود چشم پوشی کرده و اجازه دهی خداوند برایت تصمیم بگیرد او نیز پا پیش گذاشته جسم شکننده و فرسوده ات را به روحی قوی و جاودان (خالدون) تبدیل کند. زمانی که در زندگی همواره در پی حق و حقوق خویش هستی؛ زندگی معنوی و عرفانیت تیره و تار خواهد شد.

دل‌م برای ماندنت ضعف می‌رود، بیاماندنی شو...

عزیزم! بزرگ‌ترین دشمن زندگی با ایمان و خدایسندانه، گناه کردن نیست. بلکه انتخاب‌های به ظاهر خوبی هستند که آنقدر هم که فکر می‌کنی خوب نیستند. همیشه خوب، بزرگ‌ترین دشمن بهترین است؛ هوشمندانه‌ترین کار انتخاب کردن است. بگذار بهترین‌ها را خداوند برایت فراهم سازد. تو باید یاد بگیری با معیارهای خداوند پیش بروی و در انتخاب‌هایت به خداوند تکیه کنی؛ اکنون که چنین کردی برخیز و نزد خدا شادی کن.

چشم‌انم تماشای چشم تو را دوست دارد...

عزیزم! خداوند همواره با تو صمیمی است و وقتی تو را کسل و ناراحت ببیند غمگین شده و قصد می‌کند با شکوه و عظمتی باور نکردنی به سویت بیاید و ناامیدی تو را به یک خوشی جاویدان مبدل سازد. آری او می‌آید و لذت حضورش را به تو می‌چشاند و در پی آن درک می‌کند که بالا برده نمی‌شوی مگر به وسیله دستان خداوند. دست خدا بالاتر از هر دستی است که در میان ترس‌هایت به طور ناگهانی می‌آید و تو را لمس می‌کند (منظور لمس روحانی و معنوی) و تو خواهی فهمید که این دست پر قدرت دست باز دارنده یا تأدیب و یا تنبیه نیست بلکه دست پر جاذبه خدایی مهربان و نامیرا است. هرگاه دست او به سوی تو دراز می‌شود یک آرامش وصف ناپذیر و مانا تو را در بر خواهد گرفت و این حس را می‌یابی که "او از رگ گردن به تو نزدیک تر است و بازوهای سترگ و قوی در زیر توست" که پر از حمایت و قدرت برای تو می‌باشند....